

## The prevalence of oppositional defiant disorder and related factors among students of primary schools in Sanandaj in 2014

Fayegh Yousefi<sup>1</sup>, Sara Shahvesi<sup>2</sup>, Mohammad Shahvesi<sup>2</sup>, Karo Servatyari<sup>3</sup>

1-Associate Professor, Department of Psychology, Social Determinants of Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

2- General Practice, Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

3- Medical Student, Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

**Corresponding Author:** Karo Servatyari E-mail: k.servatyari@muk.ac.ir

**Received:** 14/11/2019

**Accepted:** 22/02/2020

### Abstract

**Introduction:** Oppositional Defiant Disorder (ODD) includes children who have negatively oriented, aggressive behavior, capricious and disobedient to authority in during a minimum period of 6 months. Due to the difficulty in changing behavioral patterns in adulthood, early diagnosis can prevent potential threats in the future.

**Aim:** Determine the prevalence of oppositional defiant disorder and related factors among students in primary school in Sanandaj city in 2014.

**Method:** This study was a cross-sectional study. The study population consisted of primary school students living in the city of Sanandaj in 2014. The sample size based on Morgan's table was 377 people who were selected by stratified random sampling. Students who had other psychiatric disorders or had not informed consent were excluded from the study. Instruments of this study were Standard Child Symptom Inventory questionnaire. The questionnaire has two parent and teacher checklist. For data analysis, T-test and Pearson correlation coefficient were used.

**Results:** Among 377 students, 62.6% (236 students) were male and 37.4% (141 students) were female. Results showed that the prevalence of ODD in respondents was 9.2%. In this study, there was no statistically significant relationship between ODD with age ( $P=0.8$ ). There was no significant relationship ( $p \geq 0.14$ ) between ODD and father's education, whereas, there was a significant relationship ( $p \leq 0.0001$ ) between mothers' education and ODD ( $p \leq 0.001$ ).

**Conclusion:** Due to the 2.9% prevalence of this disorder and its importance in shaping the personality and behavior of children, planning to reduce the risks posed by it, as well as the factors creating it, is necessary.

**Keywords:** Oppositional defiant disorder (ODD), Prevalence, Elementary students, Sanandaj

---

**How to cite this article :** Yousefi F, Shahvesi S, Shahvesi M, Servatyari K. The prevalence of oppositional defiant disorder and related factors among students of primary schools in Sanandaj in 2014. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*. 2020; 7 (1): 117-125 . URL: <http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-691-fa.pdf>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

## بررسی شیوع نافرمانی مقابله‌ای در بین دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان سنندج و عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۹۳

فایق یوسفی<sup>۱</sup>، سارا شاه‌ویسی<sup>۲</sup>، محمد شاه‌ویسی<sup>۳</sup>، کارو ثروت یاری<sup>۳</sup>

۱. دانشیار، گروه روانشناسی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

۲. دانشجوی پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

۳. پزشک عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

مؤلف مسئول: کارو ثروت یاری ایمیل: k.servatyari@muk.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۲۳

### چکیده

**مقدمه:** اختلال نافرمانی مقابله‌ای شامل کودکانی است که در طول یک دوره حداقل ۶ ماهه، منفی گرا، دارای رفتار خصمانه، دمدمی مزاج و نسبت به مراجع قدرت نافرمان هستند. با توجه به دشواری تغییر الگوی رفتاری در بزرگ‌سالی، تشخیص زود هنگام آن‌ها می‌تواند سبب پیشگیری از خطرات بالقوه آن در آینده شود.

**هدف:** تعیین شیوع اختلال نافرمانی مقابله‌ای و عوامل مرتبط با آن در بین دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان سنندج در سال ۱۳۹۳ بود.

**روش:** مطالعه حاضر، یک مطالعه مقطعی بوده و جامعه مورد مطالعه شامل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان سنندج در سال ۱۳۹۳ بود. تعداد نمونه براساس جدول مورگان ۳۷۷ نفر بود که از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. دانش‌آموزانی که اختلالات روان‌پزشکی دیگر داشتند و یا رضایت آگاهانه ندادند از مطالعه حذف شدند. ابزار مورد مطالعه شامل پرسشنامه استاندارد علائم مرضی کودکان استفاده شد. این پرسشنامه، دارای دو چک‌لیست والد و معلم است. برای آنالیز داده‌ها از T-test و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

**یافته‌ها:** از تعداد ۳۷۷ دانش‌آموز مورد مطالعه ۶۲/۶ درصد پسر و ۳۷/۴ درصد دختر بودند. نتایج مطالعه نشان داد شیوع اختلال نافرمانی مقابله‌ای در جمعیت مورد مطالعه ۲/۹ درصد بود. بین اختلال نافرمانی با سن ( $P=0/8$ ) و تحصیلات پدر ( $P\geq 0/14$ ) در افراد مورد مطالعه رابطه معنی‌دار آماری مشاهده نشد. درحالی‌که بین تحصیلات مادر و اختلال نافرمانی افراد مورد مطالعه رابطه معنی‌داری وجود داشت ( $P<0/001$ ).

**نتیجه‌گیری:** با توجه به شیوع ۲/۹ درصدی این اختلال و اهمیت آن در شکل‌گیری شخصیت و رفتار کودکان، برنامه‌ریزی در جهت کاهش خطرات ناشی از آن و همچنین عوامل به وجود آورنده آن، ضروری به نظر می‌رسد.

**کلیدواژه‌ها:** اختلال نافرمانی مقابله‌ای، شیوع، دانش‌آموزان ابتدایی، سنندج

**مقدمه**

اختلال نافرمانی مقابله‌ای<sup>۱</sup> یک مشکل شایع کلینیکال در کودکان و بزرگسالان محسوب شده و به عنوان یک الگوی خلق عصبی - تحریک‌پذیر، رفتار مجادله - مقابله‌ای تلافی‌جویانه که حداقل شش ماه تداوم داشته باشد، تعریف شده است (پاردینی، فریک و مفیت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). اختلال نافرمانی مقابله‌ای از جمله اختلالات رفتاری ایذایی<sup>۳</sup> است که بر اساس تعریف جدید DSM5، الگوی پایدار منفی کاری، نافرمانی، لجبازی، خصومت و سرکشی در برابر مراجع قدرت است که حداقل ۶ ماه طول کشیده باشد (موسسه پژوهشی آمریکا<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳). فاکتورهایی که بر شیوع این اختلال تأثیر می‌گذارند شامل جنس (یوسفی و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸)، سن (کازدین، هیریپ، ناک، کسلر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷) و وضعیت اقتصادی-اجتماعی (لوبر، بورک، لاهی، ویتتر و زرا<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰) است. از نظر وضعیت اقتصادی اجتماعی، بیشترین شیوع در بین افرادی بوده که وضعیت اقتصادی اجتماعی پایین‌تری داشتند (لوبر و همکاران، ۲۰۰۰). از سوی دیگر، شیوع اختلال نافرمانی مقابله‌ای با جنس رابطه داشته به نحوی که در کودکی در پسران شایع‌تر از دختران است (نجفی، فولادچنگ و علیزاده، ۲۰۰۹). در بیش از نیمی از کودکان، این اختلال همراهی دارد با اختلالات روان‌پزشکی دیگر که از شایع‌ترین اختلال همراه با آن، می‌توان به اختلال کم توجهی بیش‌فعالی<sup>۸</sup> اشاره کرد (هازل<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰).

شیوع نافرمانی مقابله‌ای در جمعیت‌های مختلف متفاوت بوده، به عنوان مثال طبق آمار موسسه پژوهشی آمریکا در سال شیوع میانگین ۳/۳ درصد بوده (موسسه پژوهشی آمریکا، ۲۰۱۳) اما در مطالعه‌ای که در سال ۱۳۸۴ در شیراز انجام شد، شیوع اختلال نافرمانی مقابله‌ای را در کودکان دبستانی ۳/۶ درصد برآورد کرده بودند (نجفی و همکاران، ۲۰۰۹).

از علل به وجود آورنده آن می‌توان به جنسیت و سابقه اختلالات روان‌پزشکی در خانواده (یوسفی و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۷)، فاکتورهای ژنتیک (میکولاجوسکی، تیلور، یاکونو<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۷)، فاکتورهای محیطی، عوامل نوروبیولوژیک (اسکورل، وان ریچین، دیوید، وان گوزن و سواب<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۷)، عوامل و عوارض دوران بارداری و تولد (مصرف سیگار در مادر باردار یا سوء تغذیه مادر باردار) و عوامل اجتماعی-شناختی اشاره نمود (هامیلتون و آرماندو<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۸).

با توجه به مطالعه ثروت یاری و همکاران، اختلالات روانی از جمله نافرمانی مقابله‌ای، بیش‌فعالی و افسردگی می‌تواند تأثیر مخربی بر کیفیت خواب در دانش‌آموزان داشته باشد (ثروت یاری و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۹) که خود آن سبب کاهش کیفیت تمرکز در کلاس درس و در نهایت افت تحصیلی در کودکان را شامل می‌شود (ثروت یاری و همکاران، ۲۰۱۹).

تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که نشانه‌های اختلال نافرمانی مقابله‌ای در بزرگسالی هم دیده خواهد شد و در نتیجه با نتایج منفی عملکرد مرتبط هستند (جانستون، درلا، بورک<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۸). کنترل کردن این اختلال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه این رفتارها می‌تواند به عنوان یک عامل پیش‌بینی کننده برای

<sup>1</sup>- Oppositional Defiant Disorder (ODD)

<sup>2</sup>- Pardini, Frick, Moffitt

<sup>3</sup>- Disruptive Behavior

<sup>4</sup>- Association America

<sup>5</sup>- Yousefi et al

<sup>6</sup>- Kazdin, Hiripi, Nock, Kessler

<sup>7</sup>- Loeber, Burke, Lahey, Winters, Zera

<sup>8</sup>- Attention deficit hyperactivity disorder (ADHD)

<sup>9</sup>- Hazell

<sup>10</sup>- Yousefi et al

<sup>11</sup>- Mikolajewski, Taylor, Iacono

<sup>12</sup>- Schoorl, Van Rijn, de Wied, Van Goozen, Swaab

<sup>13</sup>- Hamilton SS, Armando

<sup>14</sup>- Servatyari et al

<sup>15</sup>- Johnston, Derella, Burke

اختلالات روان پزشکی، به جزء اختلال نافرمانی بودند. جامعه آماری از طریق روش نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده<sup>۲۰</sup> و براساس جدول مورگان، ۳۷۷ نفر نمونه از ۲۷۵۵۲ نفر جامعه آماری انتخاب گردیدند.

### ابزار

ابزار مطالعه حاضر شامل پرسشنامه علائم مرضی کودکان<sup>۲۱</sup> بود این پرسشنامه، دارای دو چک لیست والد و معلم است. **چک لیست والد:** چک لیست والد، ۹۷ سؤال داشت و ۱۷ اختلال را می سنجد.

**چک لیست معلم:** چک لیست معلم با ۷۷ سؤال، ۱۳ اختلال را موردسنجش قرار می داد، که ۱۲ سؤال آن مربوط به ارزیابی اختلال نافرمانی کودکان است. نسخه ایرانی پرسش نامه را محمد اسماعیل و علی پور (۱۳۸۱) تهیه و ترجمه کرده و روایی و پایایی آن را نیز تأیید کردند (محمد اسماعیل<sup>۲۲</sup> و علی پور<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۲).

جهت جمع آوری اطلاعات، در مرحله اول، هماهنگی های مورد نظر با اداره کل آموزش و پرورش استان انجام شد؛ از آنجا که مدارس آموزش و پرورش شهر سنندج به دو منطقه اول و دوم تقسیم شده است، لذا تعداد مدارس هر منطقه به نسبت کل مدارس محاسبه گردید و در مرحله بعد مدارس فوق از میان کل مدارس هر منطقه، به شکل تصادفی تعیین گردید و تعداد نمونه ها به نسبت تعداد دانش آموز هر مدرسه و بر اساس جنسیت آن ها، مشخص گردید. سپس نمونه ها از طریق روش نمونه گیری تصادفی ساده در هر مدرسه انتخاب شدند و پرسشنامه فرم معلم (CSI-4) به معلمین مربوطه داده شد که در مورد نمونه های انتخابی پر کنند. در این خصوص قبل از اجرا معلمین توجیه شدند که بر اساس پرسشنامه نظر خویش را در مورد

بزهکاری، سوء مصرف مواد، نافرمانی و افت تحصیلی در آینده باشد (ترنر و ساندرز<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۶). رویکردهای درمان اختلال نافرمانی مقابله ای شامل آموزش مدیریت والدین، روان درمانی فردی، خانواده درمانی، درمان شناختی رفتاری و آموزش مهارت های اجتماعی است (استینر و رمسینگ<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۷). از سوی دیگر در مطالعه گادو و همکاران، نشان دادند که دارو درمانی در کنار آموزش والدین بر کاهش نشانه های اختلال نافرمانی مقابله ای تأثیر بسزایی دارد (گادو و همکاران<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۴). بنابراین به نظر می رسد که از رایج ترین و مفیدترین روش های درمانی این اختلال، فرزند پروری مناسب و مداخلات خانوادگی با استفاده از آموزش مستقیم والدین و آموزش نشانه ها و مهارت های والدین در کنترل کودکان است. در مطالعه ی ثروت یاری و همکاران مشاهده شد که در خانواده های با سبک فرزند پروری مقتدرانه، بروز مشکلات رفتاری در کودکان آنها اعم از خشونت، کمتر دیده می شود (ثروت یاری و همکاران<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۸).

با توجه به اهمیت اختلال نافرمانی مقابله ای در شکل گیری شخصیت و رفتار کودکان و همچنین تأثیرات آن بر سلامت کودکان و خانواده های آنها، هدف از این پژوهش، تعیین شیوع اختلال نافرمانی مقابله ای و عوامل مرتبط با آن در بین دانش آموزان ابتدایی شهرستان سنندج در ۱۳۹۳ است.

### روش

مطالعه حاضر، یک مطالعه مقطعی است. جامعه مورد مطالعه شامل دانش آموزان مقطع ابتدایی ساکن در شهر سنندج بودند که معیار ورودی دانش آموزان مقطع ابتدایی و معیار خروجی آن دانش آموزانی که دارای

<sup>20</sup>- Stratified random sampling Method

<sup>21</sup>- Child Symptom Inventory

<sup>22</sup>- Mohamadesmaiel

<sup>23</sup>- Alipour

<sup>16</sup>- Turner KM, Sanders MR

<sup>17</sup>- Steiner, Rensing

<sup>18</sup>- Gadow et al

<sup>19</sup>- Servatyari et al

پدر افراد مورد مطالعه (۴۳/۸ درصد) شغل آزاد بوده است و کمترین شغل پدر افراد مورد مطالعه (۱/۳ درصد) بیکار بود. بیشترین شغل مادر افراد مورد مطالعه (۴۳/۸ درصد) خانه‌دار بوده است و کارگر نیز با ۰/۵ درصد کمترین شغل مادر افراد مورد مطالعه را تشکیل می‌دادند. بیشترین تحصیلات پدر افراد مورد مطالعه (۴۳ درصد) لیسانس و بالاتر بوده است و بیشترین تحصیلات مادر افراد مورد مطالعه (۳۵ درصد) لیسانس و بالاتر بوده است.

بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین نمره اختلال نافرمانی در بین پسران و دختران باهم تفاوت معناداری داشت ( $P < 0.002$ ). از سوی دیگر، میانگین نمره اختلال نافرمانی بر اساس سابقه جدایی والدین از لحاظ آماری تفاوت معنی‌دار داشته است ( $P = 0.001$ ).

دانش‌آموز خود بنویسند. در نهایت، اطلاعات وارد نرم‌افزار آماری SPSS-18 گردید. اطلاعات حاصل از تکمیل پرسشنامه‌ها جمع‌آوری و وارد نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ گردید. برای آنالیز تفاوت‌ها از آزمون تی تست مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

### یافته‌ها

نتایج مطالعه نشان داد که از میان ۳۷۷ دانش‌آموز مورد بررسی ۲۳۶ نفر (۶۲/۶ درصد) پسر و ۱۴۱ نفر (۳۷/۴ درصد) دختر بودند و شیوع اختلال مقابله‌ای در جمعیت مورد مطالعه ۲/۹ است. ۴۵ نفر (۱۱/۹ درصد) از افراد مورد مطالعه سابقه طلاق والدین در آن‌ها وجود دارد، در ۱۷ نفر (۴/۵ درصد) از افراد مورد مطالعه سابقه جدایی والدین در آن‌ها وجود داشت، بیشترین شغل

جدول ۱ تعیین تفاوت میانگین نمره اختلال نافرمانی با توجه به سابقه جدایی والدین در بین دانش‌آموزان ابتدائی شهر سندج و عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۹۳

سطح معناداری	آماره t	درجه آزادی	انحراف معیار ±	میانگین	فراوانی (نفر)	سابقه جدایی والدین
۰/۰۰۱	-۳/۳۷	۳۷۵	۵/۱۲	۷/۱۴	۳۶۰	ندارد
			۴/۶۲	۱۱/۴۱	۱۷	دارد

جدول ۲ رابطه بین اختلال نافرمانی با تحصیلات پدر و تحصیلات مادر در بین دانش‌آموزان ابتدائی شهر سندج و عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۹۳

سطح معناداری	تحصیلات پدر			
	جمع فراوانی (درصد)	دارد فراوانی (درصد)	ندارد فراوانی (درصد)	
P=۰/۱۴۲	(۱۰۰)۲۱	(۰)۰	(۱۰۰)۲۱	بی‌سواد
	(۱۰۰)۱۵	(۰)۰	(۱۰۰)۱۵	ابتدایی
	(۱۰۰)۲۱	(۴/۸)۱	(۹۵/۲)۲۰	راهنمایی و سیکل
	(۱۰۰)۴	(۲۵)۱	(۷۵)۳	دبیرستان
	(۱۰۰)۹۶	(۲/۱)۲	(۹۷/۹)۹۴	دیپلم
	(۱۰۰)۵۸	(۵/۲)۳	(۹۴/۸)۵۵	فوق‌دیپلم
	(۱۰۰)۱۶۲	(۲/۵)۴	(۹۷/۵)۱۵۸	لیسانس و بالاتر
	(۱۰۰)۳۷۷	(۲/۹)۱۱	(۹۷/۱)۳۶۶	جمع
	P<۰/۰۰۱	(۱۰۰)۸۷	(۰)۰	(۱۰۰)۸۷

ابتدایی	۲۰ (۹۵/۲)	۱ (۴/۸)	۲۱ (۱۰۰)
راهنمایی و سیکل	۱۹ (۹۵)	۱ (۵)	۲۰ (۱۰۰)
دبیرستان	۲ (۵۰)	۲ (۵۰)	۴ (۱۰۰)
دیپلم	۷۰ (۹۸/۵)	۱ (۱/۴)	۷۱ (۱۰۰)
فوق دیپلم	۴۰ (۹۵/۲)	۲ (۴/۵)	۴۲ (۱۰۰)
لیسانس و بالاتر	۱۲۸ (۹۷)	۴ (۳)	۱۳۲ (۱۰۰)
جمع	۳۶۶ (۹۷/۱)	۱۱ (۲/۹)	۳۷۷ (۱۰۰)

تحصیلات مادر

اما به نسبت مطالعه‌ای ارشان و همکاران (ارشان<sup>۲۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۴) که در ترکیه انجام شده بود و در آن مطالعه شیوع ۱۱/۵ درصد ثبت شده بود و مطالعه فیلتیلیچ-بیلیک و همکاران (فیلتیلیچ-بیلیک<sup>۲۸</sup>، گوودمن<sup>۲۹</sup>، ۲۰۰۴) که شیوع ۱۱/۳ درصد را گزارش کرده بودند و همچنین مطالعه میسرا و همکاران که بر روی دانش آموزان ابتدایی شهر ایندور<sup>۳۰</sup> در کشور هند انجام شد، شیوع اختلال نافرمانی مقابله‌ای برابر ۷/۷۳ به دست آمد (میسرا<sup>۳۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۴) همخوانی ندارد؛ شاید دلیل مغایرت را بتوان به تعداد نمونه‌ها، ابزار گردآوری داده‌ها و همچنین تفاوت‌های فردی و قومی در بین مطالعه‌ی حاضر با مطالعات اشاره شده نسبت داد، به طوری که تعداد نمونه‌های مطالعه حاضر ۳۷۷ و تعداد نمونه‌های مطالعه‌های ذکر شده به ترتیب ۱۴۲۵ و ۹۲۸۲ و ۳۱۹۹ نفر بود ربط داد. از سوی دیگر شیوع اختلال نافرمانی مقابله‌ای در بین کودکان پیش‌دبستانی در مطالعه نیمکزیک و همکاران، ۱۰/۳ درصد بود که این آمار نیز بیشتر از مطالعه حاضر است (نیمکزیک و همکاران<sup>۳۲</sup>، ۲۰۱۵). شاید بتوان دلیل آن را تفاوت در ابزار گردآوری اطلاعات، سال انجام مطالعه و تفاوت‌های فرهنگی جوامع مذکور در نظر گرفت.

جدول فوق نشان می‌دهد که بین اختلال نافرمانی با تحصیلات پدر رابطه معنی‌دار آماری وجود ندارد ( $P=0/142$ ) در صورتی که بین اختلال نافرمانی با تحصیلات مادر رابطه معنی‌دار آماری وجود دارد ( $P<0/001$ ).

و در انتها، بر اساس ضریب همبستگی پیرسون، بین اختلال نافرمانی با سن در افراد مورد مطالعه رابطه معنی‌دار آماری وجود نداشت ( $R=0/88$  و  $P>0/05$ ).

بحث

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که شیوع اختلال نافرمانی مقابله‌ای در بین دانش‌آموزان ابتدایی شهر سندج ۲/۹ درصد است این نتایج همسو با نتایج مطالعه نجفی و همکاران (نجفی و همکاران<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۹) بود که شیوع این اختلال را در شیراز در سال ۱۳۸۴-۱۳۸۵ برابر ۳/۶ گزارش کرده بودند از سوی دیگر، این نتایج نزدیک به مطالعه پرن کریسنسن و همکاران (پرن کریسنسن<sup>۲۵</sup>، ۲۰۱۷) است که شیوع این اختلال را ۵/۷ درصد گزارش کرده بودند؛ همچنین در مطالعه‌ی جانستون و همکاران که بر روی افراد ۱۸-۲۴ ساله انجام دادند به این نتیجه رسیدند که شیوع اختلال نافرمانی مقابله‌ای در افراد مورد مطالعه، ۳/۳۹ درصد بود که مطابق با نتایج مطالعه حاضر نیز است (جانستون و همکاران<sup>۲۶</sup>، ۲۰۱۸)؛

27- Erşan  
28- Fleitlich-Bilyk  
29- Goodman  
30- Indore  
31- Mishra  
32- Niemczyk et al

24- Najafi M et al  
25- Prehn-Kristensen et al  
26- Johnston et al

اثبات رسید که این نتایج برخلاف مطالعه حاضر است، شاید دلیل این مسئله را بتوان به سال انجام مطالعه، ابزار و تفاوت قومیتی و فرهنگی بین دو جامعه مورد نظر نسبت داد. در هر صورت تحصیلات مادر خانواده، نقش بسیار مهمی در بروز اختلالات رفتاری کودکان در مطالعات مختلف داشته است.

از آنجا که اختلال نافرمانی مقابله‌ای، سبب بروز خشونت در کودکان می‌شود، لذا با توجه به مطالعه ثروت یاری و همکاران، کودک آزاری در کودکان سبب بروز پرخاشگری در آنها شده که خود به ریسک فاکتور برای بروز اختلال نافرمانی مقابله‌ای است (ثروت یاری و همکاران، ۲۰۱۸).

در مطالعه حاضر، جنس و سن نقش مهمی در میزان این اختلال داشت، به نحوی که اختلال نافرمانی مقابله‌ای به تدریج در سال‌های پیش‌دبستانی پیشرفت می‌کند و آشکار می‌شود (ناک و همکاران<sup>۳۶</sup>، ۲۰۰۷). این یافته مطابق با مطالعات مختلف است که در آنها اختلال نافرمانی مقابله‌ای با افزایش سن کاهش می‌یابد به نحوی که در یکی از مطالعات (نیمکزیک و همکاران، ۲۰۱۵)، شیوع اختلال نافرمانی مقابله‌ای در دانش‌آموزان پیش‌دبستانی ۱۰/۳ و در مطالعه‌ای دیگر (جانستون و همکاران، ۲۰۱۸) شیوع آن در دانشجویان ۳/۳۹ بود، این نتایج به این معنا است که اختلال نافرمانی مقابله‌ای تنها مربوط به کودکی نبوده و در سنین جوانی نیز خود را نشان خواهد داد.

### نتیجه‌گیری

شیوع اختلال نافرمانی مقابله‌ای در بین دانش‌آموزان ابتدایی شهر سندج ۲/۹ درصد است و عواملی مانند جنسیت، سابقه جدایی والدین و تحصیلات مادر بر آن تأثیر دارند؛ بنابراین با توجه به اهمیت دوران کودکی

از دیگر نتایج مطالعه حاضر این بود که اختلال نافرمانی مقابله‌ای با سابقه جدایی والدین در افراد مورد مطالعه رابطه معنی‌دار آماری دارد ( $P=0/001$ ). این نتایج همسو با نتایج مطالعه ارشان و همکاران (ارشان و همکاران<sup>۳۳</sup>) بود که در آن مطالعه خانواده‌هایی که جدایی در بین همسران اتفاق افتاده بود شیوع اختلالات به نسبت خانواده‌هایی که زندگی آرامی داشتند بیشتر گزارش شد. این یافته می‌تواند قابل درک و تفسیر باشد زیرا که جدایی والدین سبب بروز استرس شدید و در نتیجه سبب بروز اختلال سازگاری در طی زندگی کودک شده و کودکان با توجه به تجربه محدود توانایی مقابله صحیح با این استرس شدید را ندارند و سبب بروز اختلالات رفتاری در آنها می‌شود.

در مطالعه حاضر، بین اختلال نافرمانی مقابله‌ای با تحصیلات پدر رابطه معنی‌دار آماری وجود ندارد ( $P>0/05$ ) اما بین اختلال نافرمانی مقابله‌ای با تحصیلات مادر رابطه معنی‌دار آماری دیده شد ( $P=0/001$ ). این یافته به نقش مهم تحصیلات مادر در تربیت و ارتباط مناسبی که با فرزند برقرار می‌کند بیشتر تأکید می‌کند که این یافته با نتایج شنک و همکاران (شنک<sup>۳۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۴) که در مطالعه‌ای قرار گرفتن در معرض خشونت بین فردی و پاسخ به درمان طولانی‌مدت در بیماران مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای را بررسی کرده بودند و در آن مطالعه نیز تحصیلات والدین رابطه معنی‌داری با این اختلال داشت و مطالعه لاهی و همکاران (لاهی و همکاران<sup>۳۵</sup>، ۱۹۹۴) که از نقش مؤثر تحصیلات والدین نام برده است همخوانی و مطابقت دارد. از سوی دیگر در مطالعه نجفی و همکاران (نجفی و همکاران، ۲۰۰۹) تحصیلات پدر در بروز اختلال نافرمانی مقابله‌ای به

<sup>33</sup>- Erşan et al

<sup>34</sup>- Shenk et al

<sup>35</sup>- Lahey et al

<sup>36</sup>- Nock et al

- Hamilton SS, & Armando J. (2008). Oppositional defiant disorder. *Am Fam Physician*, 78(7), 861-866.
- Hazell P. (2010). Review of attention-deficit/hyperactivity disorder comorbid with oppositional defiant disorder. *Australas Psychiatry*, 18(6), 556-559. doi: 10.3109/10398562.2010.498049
- Johnston OG, Derella OJ, & Burke JD. (2018). Identification of Oppositional Defiant Disorder in Young Adult College Students. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 40(4), 563-572.
- Lahey BB, Applegate B, Barkley RA, Garfinkel B, McBurnett K, Kerdyk L, . . . Newcom J. (1994). DSM-IV field trials for oppositional defiant disorder and conduct disorder in children and adolescents. *American journal of psychiatry*, 151(8), 1163-1171.
- Loeber R, Burke JD, Lahey BB, Winters A, & Zera M. (2000). Oppositional defiant and conduct disorder: a review of the past 10 years, part I. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 39(12), 1468-1484.
- Mikolajewski AJ, Taylor J, & Iacono WG. (2017). Oppositional defiant disorder dimensions: genetic influences and risk for later psychopathology. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 58(6), 702-710.
- Mishra A, Garg S, & Desai SN. (2014). Prevalence of oppositional defiant disorder and conduct disorder in primary school children. *Journal of Indian Academy of Forensic Medicine*, 36(3), 246-250.
- Mohamadesmaiel E, & Alipour A. (2002). A preliminary study on the reliability, validity and cut off points of the disorders of Children Symptom Inventory-4 (CSI-4). *Journal of Exceptional Children*, 2(3), 239-254.
- Najafi M, Foladchang M, Alizadeh H, & MA, M. (2009). Prevalence of attention deficit hyperactivity disorder, conduct disorder and oppositional defiant disorder. *Research on Exceptional Children*, 9(3), 239-254.
- Niemczyk J, Equit M, Braun-Bither K, Klein AM, & von Gontard A. (2015). Prevalence of incontinence, attention deficit/hyperactivity disorder and oppositional defiant disorder in

در شکل‌گیری رفتار و شخصیت یک فرد و همچنین اهمیت بسیار زیاد نافرمانی مقابله‌ای، لذا برنامه‌ریزی در جهت شناسایی و کاهش خطرات ناشی از آن و عوامل به وجود آورنده آن و همچنین انتقال آن به والدین و کسانی که به‌طور مستقیم با کودکان در ارتباط هستند، ضروری به نظر می‌رسد.

### سپاسگزاری

نویسندگان مقاله مراتب تشکر و قدردانی خود را از شورای پژوهشی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کردستان به خاطر حمایت از طرح زیر اعلام می‌دارد. این مقاله استخراج یافته از پایان‌نامه دوره‌ی دکتری عمومی دانشجویان آقای دکتر محمدشاه ویسی و سرکار خانم دکتر سارا شاه ویسی با همین عنوان که در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۹۲ تصویب شده بود، است.

### References

- Association AP. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (DSM-5®)*: American Psychiatric Pub.
- Erişan EE, Doğan O, Doğan S, & Sümer H. (2004). The distribution of symptoms of attention-deficit/hyperactivity disorder and oppositional defiant disorder in school age children in Turkey. *European child & adolescent psychiatry*, 13(6), 354-361.
- Fleitlich-Bilyk B, & Goodman R. (2004). Prevalence of child and adolescent psychiatric disorders in southeast Brazil. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 43(6), 727-734.
- Gadow KD, Arnold LE, Molina BS, Findling RL, Bukstein OG, Brown NV, . . . Aman MG2. (2014). Risperidone added to parent training and stimulant medication: effects on attention-deficit/hyperactivity disorder, oppositional defiant disorder, conduct disorder, and peer aggression. *J Am Acad Child Adolesc Psychiatry*, 53(9), 948-959. doi: 10.1016/j.jaac.2014.05.008

- preschool children. *European child & adolescent psychiatry*, 24(7), 837-843.
- Nock MK, Kazdin AE, Hiripi E, & Kessler RC. (2007). Lifetime prevalence, correlates, and persistence of oppositional defiant disorder: results from the National Comorbidity Survey Replication. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 48(7), 703-713.
- Pardini DA, Frick PJ, & Moffitt TE. (2010). Building an evidence base for DSM-5 conceptualizations of oppositional defiant disorder and conduct disorder: Introduction to the special section. *Journal of abnormal psychology*, 119(4), 683.
- Prehn-Kristensen A, Molzow I, Förster A, Siebenhühner N, Gesch M, Wiesner CD, & Baving L. (2017). Memory consolidation of socially relevant stimuli during sleep in healthy children and children with attention-deficit/hyperactivity disorder and oppositional defiant disorder: What you can see in their eyes. *Biological psychology*, 123, 196-204.
- Schoorl J, Van Rijn S, de Wied M, Van Goozen SH, & Swaab H. (2017). Neurobiological stress responses predict aggression in boys with oppositional defiant disorder/conduct disorder: a 1-year follow-up intervention study. *European child & adolescent psychiatry*, 26(7), 805-813.
- Servatyari K, Mardani N, Servatyari B, & Yazdanpanah H. (2019). The study of factors affecting concentration in classroom among high school students in Divandarreh City, Iran, in 2018. *Chronic Diseases Journal*, 7(3), 153-159. doi: <http://dx.doi.org/10.22122/cdj.v0i0.425>
- Servatyari K, Valizadeh Ardalan P, Yazdnpah S, Mardani N, Yazdan Panah H. (2019). Frequency of psychological disorders symptoms and their effects on high school students in Divandareh city in 2018. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 6 (3), 71-82.
- Servatyari K, Yousefi F, Kashefi H, Bahmani MP, Parvareh M, & Servatyari S. (2018). The relationship between parenting styles with the aggression of their children in sanandaj primary students. *International Journal of Biomedicine and Public Health*, 1(3), 141-147. doi: 10.22631/ijbmph.2018.117376.1018
- Servatyari K, Yazdanpanah H, Rasouli M, Yousefi F. (2018). Surveying of relationship between child abuse and aggression in primary school students in Sanandaj City-Iran. *International Journal of Biomedicine and Public Health*, 1(4), 162-168. doi: 10.22631/ijbmph.2018.120807.1030
- Shenk CE, Dom LD, Kolko DJ, Rausch JR, & Insana SP. (2014). Prior Exposure to Interpersonal Violence and Long-Term Treatment Response for Boys With a Disruptive Behavior Disorder. *Journal of traumatic stress*, 27(5), 585-592.
- Steiner H, & Remsing L. (2007). Practice parameter for the assessment and treatment of children and adolescents with oppositional defiant disorder. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 46(1), 126-141.
- Tumer KM, & Sanders MR. (2006). Help when it's needed first: a controlled evaluation of brief, preventive behavioral family intervention in a primary care setting. *Behav Ther*, 37(2), 131-142. doi: 10.1016/j.beth.2005.05.004
- Yousefi F, Shahvesi S, Shahvisi M, & Servatyari K. (2017). The Relationship between Gender Difference and the History of Psychiatric Disorders in the Family with Oppositional defiant disorder among Primary School Students in Sanandaj in 2014. *Shenakht J Psychol Psychiat*, 4(3), 58-64.